

به انگیزه ۴ شهریور، یازدهمین سالگشت مرک م. امید

غناي موسيقياي شعر مهدي اخوان ثالث

ضياءالدين ترابي

مسهدی اخوان ثالث (م. امید) یکی از سرشناس ترین چهره‌های شعر معاصر است، که با حضور چهل ساله خود در عرصه شعر و ادب، کارنامه درخشانی از خود به یادگار گذاشت و یکی از تأثیرگذارترین شاعران عصر خود به شمار می‌رود. شاعری توانا که با زبانی فاخر، زیبا و مطمئن و با پشتوانه‌ای غنی از شعر و ادب کلاسیک فارسی به سرودن شعر نو روی آورد و از همان آغاز با سرودن و انتشار شعرهایی چون «زمستان» به شهرت و اعتباری بی‌نظیر دست یافت و موجب پدید آمدن یکی از تأثیرگذارترین شاخه‌های شعر نیمایی شد. شعری که افزون بر زبان و بیان و محتوای غنی و بهره‌گیری خوب و به‌جا از امکانات وزن عروضی و نیز قافیه‌های کناری در شعر، ریشه در راز و رمز موسیقایی زبان و ظرفیت‌های موسیقایی زبان - به دور از امکانات وزن عروضی - دارد.

به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعرهای نوی اخوان غنای موسیقایی آن‌هاست. موسیقی لطیفی که با استفاده از ظرفیت‌های موسیقایی زبان فارسی و ترکیب و هم‌نشینی و هم‌جواری واژگان و تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها و به‌کارگیری واژه‌های هم‌خانواده و حتی تضاد و تناسب و مراعات نظیر، در کنار وزن عروضی نیمایی و بهره‌وری از تأثیر موسیقایی قافیه‌های کناری و درونی؛ پدید آمده و حال و هوای خاصی به شعرهای وی می‌بخشد:

«ای لحظه‌های شگفت و گریزان که گاهی - چه کمیاب - این شت خون و خجل را
دربارش نورنوشین خود می‌نوازید
او می‌پرد چون دل پر سرود قناری

از شهر بند حصارش فراتر

و می‌تپد چون پر بیمناک کبوتر

تن، شنگی از رقص لبریز

سر، چنگی از شوق سرشار

غم، دور و اندیشه‌ی بیش و کم دور

هستی، همه لذت و شور.»

حالت: از این اوستا - ص ۶۴

یا:

«نگفتندش، چو بیرون می‌کشاند از زادگاهش سر

که آنجا آتش و دود است.

نگفتندش: زبان شعله می‌لیسد پر پاک جوان را

همه درهای قصر قصه‌های شاد مسدود است

نگفتندش: نوازش نیست، صعرا نیست، دریا نیست

همه رنج است و رنجی غربت آلود است.»

پرنده‌ای در دوزخ: زمستان - ص ۱۴۹

به طور کلی آنچه راکه به عنوان موسیقی در شعر مطرح می‌شود می‌توان به سه گونه عمده: موسیقی بیرونی، موسیقی درونی و موسیقی معنوی قسمت کرد.

موسیقی بیرونی همان موسیقی ظاهری شعر است، که در شعر کلاسیک فارسی با استفاده از وزن عروضی و قافیه‌های کناری، در قالب‌هایی چون قسصیده، غزل و مثنوی و غیره پدید می‌آید و هویداترین بخش موسیقی شعر است؛ که در شعر نیمایی نیز به همان صورت، تنها بدون رعایت تساوی طولی مصراع‌ها و نیز عدم الزام به رعایت قافیه‌کناری در پایان مصراع‌های شعر - به گونه‌ای آزادتر از شعر کلاسیک - به کار می‌رود و با توجه به تفاوت‌هایی که با عروض شعر کلاسیک دارد به وزن عروضی نیمایی یا وزن نیمایی معروف شده است و در این جا نیازی به بحث و گفتگو درباره آن نیست.

موسیقی معنوی، نهفته‌ترین بخش موسیقایی

شعر است که به نوعی از هماهنگی موسیقایی جاری در کلیت شعر پدید آمده و نیز در بعد معنایی شعر و از رهگذر ارتباط معنایی و مفهومی بین واژگان شعر و ترکیب آن‌ها با همدیگر، پدید می‌آید و بیشتر در انسجام بخشیدن به شعر و تشکیل و تشکل فرم و ساختار شعر نقش دارد و عنصری است نهفته و دور از دسترس که پرداختن بدان تنها از طریق بررسی فرم و ساختار کلی شعر عملی است و بدین جهت در این جا تنها با اشاره از آن می‌گذریم.

اما سومین بخش از موسیقی شعر، موسیقی درونی است، که در کنار موسیقی بیرونی، از مهم‌ترین عواملی است که غنای موسیقایی شعرهای مهدی اخوان ثالث را پدید می‌آورد، و موسیقی است که از چگونگی هم‌جواری واژگان و ترکیب آن‌ها با یکدیگر و نیز استفاده از تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها و نیز به‌کارگیری قافیه‌های درونی در شعر پدید می‌آید و ریشه در ذهن و زبان شاعر دارد؛ که در اینجا برای آشنایی بیشتر با کاربرد این بخش از موسیقی شعر، در شعرهای اخوان و نقش کاربرد آن در غنای موسیقایی شعرهای اخوان به بررسی آن می‌پردازیم:

۱- قافیه‌های درونی:

قافیه‌های درونی از رعایت عنصر قافیه بین واژگان داخل متن، یا واژگان درون مصراع‌های شعر پدید می‌آید و بر لطافت شعر می‌افزاید، مثل کلمات هم‌قافیه: دیگران - غمان - زمان - آن - و زانوان، در این پاره از شعر:

«کنار از دیگران، تنها

غمان را یک زمان کوچانده تا آن سوی خط و خطه

پندار

گرفته‌گونه‌گون زهار سوگندی

نه هیچش اعتمادی لیکم بر سوگند و بر زهار

دو پایش متکای دست‌ها، آرنج بر زانو

تصنیعی در کارش باشد؛ و یا مخاطب هر هنگام شنیدن آن احساس تصنیعی بکند؛ یا استعداد خاصی که دارد؛ حداکثر بهره را از تکرار صامت‌ها و موسیقی حاصل از آن، در شعرهایش می‌برد؛ مثل تکرار صامت شین در این پاره شعر:

«اشارت‌ها درست و راست بود، اما بشارت‌ها
ببخشا، گر غبار آلود راه و شوخگینم، غار
درخشان چشمه پیش چشم من خوشید
فروزان آتشم را باد خاموشید»

قصه شهر سنگستان: از این اوستا - ص ۲۴

یا موسیقی حاصل از تکرار صامت‌های: غین، قاف، گاف (که در زبان فارسی هر سه مثل هم تلفظ می‌شوند) و این همه در کنار صامت خ، در این پاره شعر:

«در شب قطبی

- این سحرگم کرده بی‌کوکب قطبی

در شب جاوید

زی شبستان غریب من

- بقی از زندان به کشتگاه -

برگ زردی هم نیارد باد ولگردی

از خزان جاودان بیشه خورشید»

قصیده:

سرکوه بلند - ص ۸۰

و نیز به همین نحو تکرار پانزده بار صامت سین، در کنار هفت بار تکرار صامت «ز» و صدای حاصل از بازتاب آوایی این دو صامت در کنار هم؛ آن هم تنها در هفت مصراع از شعر، یعنی در این پاره شعر:

«و بسیاری دلیرانه سخن‌ها گفت،

اما پاسخی نشنفت

اگر تقدیر نفرین کرد، یا شیطان فسون، هر دست و هر
دستان
صدایی بر نیامد از سری، زیرا همه ناگاه سنگ و سرد
گردیدند.

از اینجا نام او شد شهریار شهر سنگستان

پریشان روز مسکین تیغ در دستش میان سنگ‌ها
می‌گشت

و چون دیوانگان فریاد می‌زد آی

و می‌فتاد و برمی‌خاست، گریان نعره می‌زد باز»

بارها پرسیده‌ام از خویش

نسل بدبختی که مایانیم

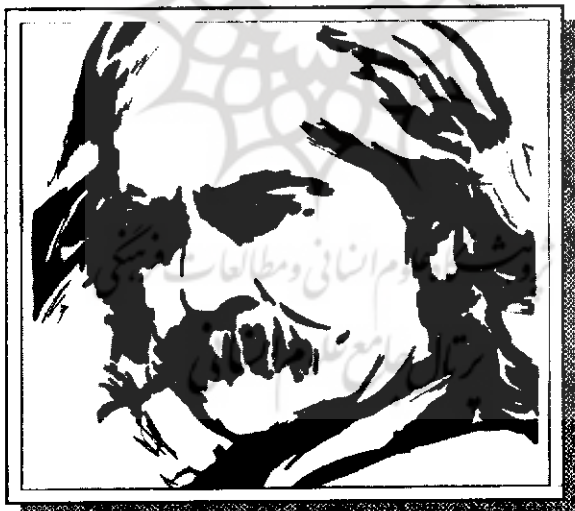
وارث و میران قصور و قصه اجداد

با چه باید بودمان دلشاد

یادها، یا بادها، یا هرچه بود بود بادباد.

شوش را دیدم: سرکوه بلند - ص ۱۶۸

افزون بر این‌که در این قطعه، در کنار تکرار این مصوت بلند، از تکرار مصوت‌های کوتاه شین، نون و سین، (شین ۹ بار - سین ۱۰ بار و نون ۱۵ بار) یعنی صامت شین در کلمات: شهر - شگفت - شکوه - شوکت - پریشان - شوق - داشت - و دلشاد؛ و صامت سین در کنار صامت‌های ص و ث (که در زبان فارسی مثل هم تلفظ می‌شوند) در کلمات: راستی - درستی - نسل - سر - مسکین - پرسیده - نسل - وارث - قصور - و قصه؛ و نیز تکرار صامت نون در کلمات: نمی‌دانم - این - انگیز - آن - دیرین - پریشان - نسل - غمگین - این - مسکین - نه - نسل - مایانیم - ویران - و بودمان.



در کنار قافیه‌های کناری: اجداد - فریاد - شاد - آباد - و بادباد؛ و نیز قافیه درونی: این - غمگین - مسکین و نیز: آن - ویران - بودمان - و پریشان؛ همه و همه در ساختار وزن کلی شعر، موسیقی لطیف و دلنشین پدید می‌آورند.

۳- تکرار صامت‌ها:

افزون بر تکرار مصوت‌ها، در شعر اخوان، تکرار صامت‌ها، از نظر واج‌آرایی؛ نقش برجسته‌ای دارند؛ و مهدی اخوان ثالث، بی‌آن‌که

و گاهی بر ستون زانوان بازو

نشسته بر زمین و تکیه بر دیوار»

دل غمناک: در حیات کوچک پاییز در زندان - ص ۴۸
که در این شعر موسیقی حاصل از کاربرد این قافیه‌های درونی، در کنار قافیه‌های کناری: پندار - زنهار - دیوار، و زانو و بازو؛ و در کلیت وزن شعر، بر غنای موسیقایی آن افزوده است.

هم‌چنین است قافیه‌های درونی: زین - کاین - و پوستین و نیز کلمات ساحل و باطل، در این پاره از شعر:

«سال‌ها زین پیش‌تر در ساحل پر حاصل جیحون

بس پدرم از جان و دل کوشید

تا مگر کاین پوستین را نو کند بنیاد»

میراث: آخر شاهنامه - ص ۳۴

۲- تکرار مصوت‌ها:

از تکرار صامت‌ها و مصوت‌های موجود در واژگان زبان، در پیکره شعر، موسیقی‌ای پدید می‌آید که گاه برای القای حالت و کیفیتی خاص به کار می‌رود، و گاه صرفاً جهت افزودن بر غنای موسیقایی شعر و لطیف‌تر ساختن آن. اخوان ثالث نیز مثل هر شاعر دیگری در شعرهایش از این ویژگی موسیقایی زبان حداکثر بهره را می‌برد؛ مثل تکرار مصوت بلند (آ) در واژگان: می‌بارید - آرام - گاه - تنها - گاه - با - راه - شکایت‌ها - و حکایت‌ها، و

یا، در این پاره شعر:

«برف می‌بارید و ما آرام

گاه تنها، گاه با هم، راه می‌رفتیم

چه شکایت‌های غمگینی که می‌کردیم

یا حکایت‌های شیرینی که نمی‌گفتیم»

برف: آخر شاهنامه - ص ۱۱۰

و چنین است تکرار مصوت بلند (آ) در این پاره شعر، که در ۱۲ مصراع ۳۹ بار صدای این مصوت بلند تکرار شده و موسیقی جالبی پدید آورده است:

«راستی راکه به درستی نمی‌دانم

بر خراب این ابر شهر شگفت‌انگیز

بر فراز آن شکوه و شوکت دیرین

ما پریشان نسل غمگین را

بر سر اطلال این مسکین خراب آباد

فخر باید کرد، یا نه

شوق باید داشت، یا فریاد.

قصه شهر سنگستان: از این اوستا - ص ۲۰
۴- تتابع اضافات:

یکی از ویژگی‌های زیبایی شعرهای اخوان ثالث، استفاده زیاد از تتابع اضافات و ترکیب‌های اضافی است. اخوان تتابع اضافات را در حقیقت به دو منظور در شعرهایش به کار می‌گیرد که کاربرد اولیه آن همان ترکیب‌سازی و تصویرپردازی است، که به نوبه خود ساخت خاصی به بیان اخوان می‌بخشد. ولی دومین تأثیر این تتابع اضافات در شعر، تأثیر موسیقایی ناشی از تکرار صدای کسره اضافی موجود در این ترکیب‌هاست که در کنار تکرار مصوت کوتاه (۱) به غنای موسیقایی شعرهای اخوان می‌افزاید، مثل:

قرن خون‌آشام

قرن وحشتناک‌تر پیغام

کاندران با فضلا موهوم مرغ دور پروازی

چار رکن هفت اقلیم خدا را در زمانی برمی‌آشوبند

هرچه هستی، هرچه هستی، هرچه بالایی

سخت می‌کوشند

آخر شاهنامه: آخر شاهنامه - ص ۸۱

یا:

«وزد نرم و نواز دگرم

به لذت، گیسوی زرتار این صبح بهشتی را

نسیمی آن‌چنان کز لطف

به شرم حوری و نازیری ماند،

و کاج خانه همسایه، با آرامشی پرناز

بقایای نصیب خویش را از بارش دوشین

به پای پرتو خورشید افشاند

و او را با سخاوتمندی و ایثار

به بزم بوسه‌های روشن و شفاف خود خواند

سعادت آه - سه کتاب - ص ۸۷

بدین‌گونه است که مهدی اخوان ثالث از همان آغاز کار با آشنایی از راز و رمز تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها در کلیت موسیقایی شعر؛ و استفاده به‌جا از این واج آرای‌ها در کنار به کارگیری عناصر موسیقایی دیگری، چون وزن عروضی، قافیه‌های کناری، در کنار قافیه‌های درونی و معنوی؛ به غنای موسیقایی شعرش افزوده و از آن - اگر نه در همه‌جا و به گونه‌ی تصنعی - در هرچه موسیقایی کردن فضای شعرش و القای حس و عاطفه نهفته در شعرهایش، به مخاطبان شعرهایش، به‌نحو احسن بهره‌ها برده است.

نمونه چنین تلاشی را در یکی از نخستین شعرهای موفق وی، یعنی شعر معروف «زمستان» که یکی از بهترین و مطرح‌ترین شعرهای او نیز به شمار می‌رود؛ به روشنی می‌توان مشاهده کرد.

یکی از ویژگی‌های زبانی شعرهای اخوان ثالث، استفاده زیاد از تتابع اضافات و ترکیب‌های اضافی است

در این شعر اخوان ثالث در کنار به کارگیری قافیه‌های کناری (تکرار ۲۱ بار کلمات هم‌قافیه در شعر ۳۸ مصراع)؛ از تأثیر موسیقایی قافیه‌های

درونی چون: پا - را - سرما -

تپیا - رنگ - تگرگ - مرگ -

میدان و آسمان و تأثیر

موسیقایی تتابع اضافات و

ترکیب‌هایی چون - ترسای

پیر پیرهن چرکین - یادگار

سیلی سرد زمستان - تابوت

ستبر ظلمت نه توی مرگ

اندود - در کلیت شعر نیز از

تکرار صامت‌های سین و

صاد، به بهترین نحو؛ در

القای حس سرما، سکوت و

حتی سیاهی و نیز هرچه

زنده‌تر کردن و عینی‌تر

ساختن تصاویر شعر،

بهره‌ها برده است. به طوری

که در تمام شعر صدای

صامت‌های سین و صاد (که

در زبان فارسی مثل هم تلفظ

می‌شوند) روی هم رفته ۶۸

بار تکرار شده است؛ افزون

بر این در کنار آن، صدای

صامت‌های «زودوظ» (نیز

که مثل هم تلفظ می‌شوند) بیست و دو بار در این شعر تکرار می‌شود. بدین ترتیب تکرار این صامت‌ها و مصوت‌ها؛ و تأثیر موسیقایی آن‌ها را در غنای موسیقی شعر، نمی‌توان اتفاقی دانست؛ هم‌چنین اثر آن‌ها را در تأثیرگذاری و القای حس و عاطفه نهفته در شعر، به مخاطب نادیده انگاشت؛ مثل این پاره از شعر:

«چه می‌گویی که بی‌گه شد، سحر شد، بامداد آمد

فریت می‌دهد، بر آسمان این سرخی بعد از سحرگه

نیست

حریف! گوش سرما برده است این یادگار سیلی سرد

زمستان است

و قندیل سپهر تنگ میدان، مرده یا زنده

به تابوت ستبر ظلمت نه توی مرگ اندود پنهان است

حریف! رو چراغ باده را بفروز، شب با روز یکسان

است.

زمستان: زمستان - ص ۱۱۳





آژانس هواپیمایی
ارشیا



IATA
کیش
همه روزه

هتل آنا و
هتل وندوس

دوبی چهار روزه

لبنان
سوریه
قبرس
آنتالیا

تمامش تا ۹ شب

۰۵ - ۴۵۵ ۴۶۱ - ۴۶۵۱۸۱

EMAIL: ARSHIA@RAMA.OPI.NET